

تحلیل مخدرهای ادعا شده دیجیتالی و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران

شهرام چراغی، * علی پورجوهری ** و علی جمادی ***

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۶	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷	شماره صفحه: ۲۱۵-۱۸۳
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

مخدرهای دیجیتالی؛ فایل‌های صوتی هستند که با ایجاد پالس‌های توأم با اختلاف فرکانس متفاوت شنیداری برای هر گوش و رویکردی موسوم به موج سوم تخدیری، می‌توانند حالات ناموجه دیگر مخدرهای شناخته شده سنتی و صنعتی را در ذهن مستعمل شنیداری تداعی کنند. این مخدرها؛ صرفاً قوای عصبی افراد را تحت شعاع خود قرار داده و با الگوبرداری از ماهیت و کارکرد امواج هدایتگر شناختی و تحریک مدار پاداش عصبی، باعث ایجاد وابستگی در مصرف‌کننده می‌شوند. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است و براساس مطالعات کتابخانه‌ای و فیش‌برداری صورت گرفته نشان می‌دهد با وجود مستندات دال بر ماهیت تخدیری آنان، تاکنون این رویکرد نامأنوس؛ رسماً در زمره اقلام تخدیری قرار نگرفته و غالباً به‌منظور ممانعت از بیش‌مصرفی آن، رویکردهای توأم با پیشگیری رشدمدار و سیاست‌های کنترلی وضعی مورد توجه قرار گرفته است. اما با این وجود؛ در صورت پذیرش آنان در لفاف اقلام تخدیری، این اصوات منصرف از اراده وضعی قوانین تخدیری هستند، چراکه این رویداد، به‌دلیل برخورداری از ماهیت غیرمادی؛ نه‌تنها مشمول معیارهای عینی و ملموس مقنن به‌منظور جعل مصادیق تخدیری نیست؛ بلکه استعمال و ارتکاب شنیداری آنان در قالب رفتار مادی و مرسوم بزهکاری تخدیری از قبیل: تزریق، تدخین، بلع و استنشاق نیز منتفی است و متعاقباً به‌دلیل تفاوت فاحش وصفی و ماهیتی؛ امکان تطبیق و تعیین مجازات‌های فعلی مواد مخدر بر آنان مقدور نیست. بنابراین به‌نظر می‌رسد مادناً، پذیرش ماهیت تخدیری این پدیده نوظهور، علاوه بر بروز چالش کیفری، منصرف از اراده مقنن کیفری است و سیاست‌های کیفری ایران در قبال مصادیق، شمول و وضع تنبیه کیفری بر آنان ناقص و عقیم است.

کلیدواژه‌ها: مواد مخدر؛ امواج مغزی؛ مخدر دیجیتالی؛ قوانین جزایی؛ جرم‌انگاری کیفری

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران؛
Email: sh.cheraghi66@gmail.com

** دکتری فقه و حقوق، گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول)؛
Email: a.pourjavaheri@gmail.com

*** دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران؛
Email: jamadiali@gmail.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و دوم، شماره یکصد و بیست و یکم، بهار ۱۴۰۴

doi: 10.22034/mr.2023.15288.5474

مقدمه

در سنوات گذشته؛ استعمال مواد مخدر به عنوان روشی خاص برای تسکین و درمان استفاده می‌شد که به مرور زمان به دلیل تغییر در ماهیت ساختاری و تشدید تأثیرشناختی مواد مخدر و ازطرفی، دگرگونی در سبک زندگی اجتماعی؛ رویکرد درمانی مواد مخدر منقلب و با تداوم رفتارهای نامتعارفی از قبیل سوءمصرف و وابستگی عصبی؛ ویژگی‌های تخطیری مواد بر جنبه تسکینی آن تفوق یافته است. ازاین‌رو، آثار ناخوشایند رفتاری ناشی از استعمال مصادیق نوین و تغییر یافته تخطیری و عواقب شوم اجتماعی آنان سبب شده، گرایش و استعمال به این نوع سبک رفتاری تحت توجه و تبعات اجتماعی و کیفری قرار گیرد که در این خصوص از یک سو قوانین اجتماعی به منظور پیشگیری از استعمال و بازاجتماعی کردن بزهکاران تخطیری، واکنش‌های ضروری را متوجه اشخاص و مرتبشان آنها کرده‌اند و در سوی دیگر، هویت اجتماعی بزهکار به دلیل ناموجه بودن حالت و رفتار اجتماعی آن؛ ماداً با برچسب تخفیف شخصیت و کسر حیثیت اجتماعی مواجه شده است (جهانبخش، ۱۴۰۰: ۸۸). این رویداد تقابلی به مثابه تغییر الگوهای مصرف و نیز رویکردهای نوین تقنینی ادامه داشته؛ چراکه برخی از مستعملان مواد مخدر به منظور تجربه هیجان کاذب و نیز تحریک نامتعارف شناختی، سعی در ایجاد راهکارهای نوین تخطیری بوده‌اند، در این خصوص در برابر موانع کیفری و پیشگیری‌های هدفمند جزایی الگوهای رفتاری متغیری را انتخاب کرده‌اند و غالباً گرایش‌های سوءتخطیری خود را با خصیصه پویایی و جابه‌جایی بزهکار مرتکب شده‌اند.

همچنین قوانین کیفری با اقتباس از خطرپذیری و نیز خسران اجتماعی مواد استعمال، نه تنها به توصیف هدفمند مواد مخدر مبادرت کرده‌اند؛ بلکه با رویکردی توأم با پیشگیری پلیسی و صفرمدار؛ و براساس ملاک‌های ماهوی و معیارهای توصیفی خود، مصادیق کیفری مواد مخدر را گوشزد و هرگونه ارتباط معنادار جزایی با آنان را متصف به واکنش جزایی کرده‌اند و در برهه‌ای نیز، ضمن تجدیدنظر در مبانی توصیفی خود، با استعمال الفاظی موسع و کشدار، دایره شمول کیفری خود را از مواد

احصائی به مصادیق تمثیلی تغییر، و اراده تقنینی خود را نسبت به سایر مخدرهای نوظهور آتیه گسترش داده‌اند؛ تا علاوه بر رفع نقایص تقنینی خود، زمینه‌های گرایش روزافزون به سایر مواد تخدیری نوظهور را خنثی و تدبیر کند. لیکن؛ به‌رغم این نگرش اجتماعی-کیفری، همچنان تقابل با رفتارهای پرخطر تخدیری و نیز مواد نوظهور تخدیری از جمله مخدرهای دیجیتال باقی مانده است؛ و به دلیل فقدان قانونی مبرهن و همچنین ناآگاهی کنشگران اجتماعی نسبت به ماهیت تخدیری آن، کشیدن این مخدرهای شنیداری فاقد اوصاف تقبیح بوده و فرد مستعمل با فراغ بال از ویژگی شرمساری و برچسب‌زنی اجتماعی مواد تخدیری خلاصی می‌یابد. لذا با توجه به تحریک‌پذیری بالای این نوع اصوات نوظهور، بزهکاران تخدیری به‌خصوص افراد با ریسک‌پذیری بالا، از جمله جوانان و نوجوانان به‌شدت نسبت به این نوع مواد مخدر نوظهور گرایش داشته و از این‌رو بدون هیچ محدودیت وضعی یا رسمی، برای رسیدن به هیجان کاذب و نیز تجربه نوین هیجان‌پذیری، از این پدیده نوظهور انسانی-اجتماعی استفاده می‌کنند (Chaieb and Fell, 2015: 23). لذا در این پژوهش مخدرهای دیجیتال به‌عنوان پدیده نوظهور تخدیری و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

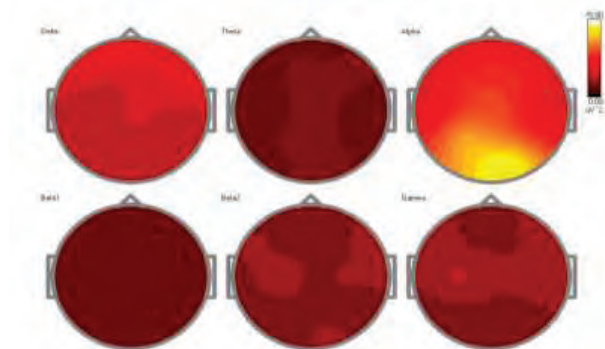
۱. پیشینه پژوهش

در این قسمت به برخی تحقیقات انجام گرفته در داخل و خارج کشور درباره مخدرهای دیجیتال شنیداری اشاره شده است:

- مهاجرانی و ذاکری (۱۳۹۴) در کتابی با عنوان *مخدرهای پنهان دیجیتال*، کتامین، ضمن بررسی ماهیت اصلی مخدرهای دیجیتال بر جدید و ناشناخته بودن آن صحنه گذاشته و درباره نحوه استعمال و نیز اثرپذیری آن مطالبی را عنوان کرده‌اند و ضمن ارائه مستندات دال بر مؤثر بودن این شیوه در تحریک فرد مستعمل و نیز ارائه نظرسنجی‌های جهانی در این باره، نظرهای سایر کشورهای درگیر را مورد بررسی و مذاقه قرار داده‌اند.

- جهانی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «مقایسه اثربخشی گشتالت درمانی و موسیقی درمانی بر اضطراب امتحان و بهزیستی تحصیلی دانش آموزان دختر متوسط دوم» ضمن بررسی عملی و کاربردی موسیقی درمانی، دریافتند که باینورال ها می تواند باعث کاهش اضطراب دانش آموزان و بهبود جنبه های هیجانی و شناختی دانش آموزان شود.
- داداشی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش «تأثیر همگام سازی امواج مغزی در باند بتا با استفاده از ضربان های دو گوشی بر بهبود حافظه کاری دیداری فضایی در افراد با رگه های اختلال شخصیت مرزی» به این نتیجه دست یافتند که با توجه به اهمیت حافظه کاری در بسیاری از فعالیت های روزانه و نقص آن در اختلال شخصیت مرزی دو گوشی می تواند با استفاده ۱۵ هرتز ضربان های دو گوشی، حافظه کاری دیداری فضایی را در این افراد بهبود بخشید.
- جمشیدزاد و همکاران (۱۳۹۷) تأثیر سه نوع موسیقی بر عملکرد حافظه کاری دانشجویان علوم پزشکی شهر تهران را مورد بررسی قرار دادند و با استفاده از روش آرگونامی شناختی مشخص شد که موسیقی های کلاسیک (باینورال بیت)^۱ می تواند بهبود عملکرد کاری حافظه دانشجویان را باعث شود، لذا استفاده از موسیقی کلاسیک برای بهبود کار در محیط های پرمشغله توصیه شده است.
- ملک زاده و همکاران (۱۳۹۵) با «بررسی اثر ضربان های دو گوشی بر افراد معتاد با استفاده از سیگنال مغزی EEG» به سوء مصرف مواد پرداخته اند و به این نتیجه رسیدند که گوش دادن به موسیقی آرامش بخش با تحریک امواج آلفا باینورال ها در مغز می تواند وضعیت آرام بخشی از طریق انتشار اندورفین، دوپامین و کاهش ترشح کاتوکولامین فراهم کند و به این ترتیب، افسردگی، اضطراب و خشم کاهش یابد و این عامل می تواند به صورت درمان غیرشیمیایی به صورت مستقل یا توأمان با سایر روش های درمانی، به ترک اعتیاد منجر شود.

شکل ۱. تأثیرگذاری مخدرهای دیجیتالی بر سیستم عصبی فرد معتاد



مأخذ: ملک‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵.

- رجبی (۱۳۹۴) در مقاله «مخدرهای دیجیتال از ادعا تا واقعیت» ضمن تبیین و توضیح مخدرهای دیجیتال، در خصوص صحت و سقم جنبه‌های تخریری آن مباحثی را مطرح کرده و نظریات کشورهای مختلف را مورد بررسی قرار داده است و در یافته‌های پژوهش ضمن خطرناک خواندن این عامل، تصریح کرده که با نظریه تخریری بودن آن موافق و تغییرات قانونی را ضروری می‌داند یا این مواد جنبه تحریک ابتدایی داشته و در آتیه از مخدرهای پرخطر به‌شمار خواهد آمد.
- زاده باقری صیقلانی، بیرشک و زاده محمدی (۱۳۹۴) با پژوهش در «اثر بخشی موسیقی درمانی بر اضطراب و افسردگی بیماران مولتی پل اسکروزیس (ms)» دریافته‌اند که این بیماران با استفاده از موسیقی درمانی، علاوه بر کاهش استرس و اضطراب، باعث بهبود وضعیت بیماران مذکور شده است از این رو پیشنهاد داده‌اند با موسیقی درمانی به عنوان روشی غیردارویی برای درمان بیماران ام اس بهره‌گیری شود.
- الزیود و عود (۲۰۱۹) با رویکرد نوین پیشگیری و با اولویت روش‌های رشد‌مدار، مخدرهای دیجیتال را مورد بررسی قرار داده‌اند و دریافته‌اند به دلیل عدم تصریح تقنینی و نیز جعل قباحات اجتماعی، افراد با ریسک‌پذیری اجتماعی از جمله

- جوانان و نوجوانان از ماهیت تخدیری و تبعات این نوع مواد جدید مطلع نبوده و صرفاً ۴۲ درصد از افراد جامعه هدف وی (۶۲۰۰ نفر دانش‌آموزان و دانشجویان کشور اردن) نسبت به کارکرد تأثیرات تخدیری مخدرهای دیجیتال مطلع هستند.
- جبیری (۲۰۱۸) در کتاب *مخدرهای دیجیتال* به این نتیجه رسید که اصوات تخدیری با سایر مواد تخدیری قابل مقایسه است چراکه آنان نیز با روش شبیه‌سازی شناختی؛ قوای ذهنی و تشخیصی فرد مستعمل شنیداری را دچار سرخوشی کاذب می‌کند و با ایجاد وابستگی و اعتیاد روانی، حالات ناپایداری جسمی شبیه به سایر مواد مخدر را در فرد مستعمل ایجاد می‌کنند.
 - میهای و میهالا^۱ (۲۰۲۰) به بررسی ماهیت غیرمادی مخدرهای شنیداری در بین دانشجویان رشته موسیقی دانشگاه بخارست پرداختند و بیان می‌کنند که مخدرهای دیجیتال قابلیت تأثیرگذاری بر حالت‌های احساسی، بیولوژیکی و توانایی تمرکز یا توجه مصرف‌کننده را دارد و در این مطالعه امواج مغزی و مطالعات شبیه‌سازی شده افراد مستعمل در بروز آثار مشابه با مصرف مواد مخدر از قبیل ماری‌جوانا، کوکائین یا تریاک را تأیید کرده‌اند.
 - عبدالرئوف (۲۰۱۵) در پژوهشی به تبیین نحوه تأثیرگذاری مخدرهای دیجیتال بر قوای شیمیایی و سلول‌های عصبی پرداخته که گرچه فایل‌های صوتی بر معالجه بیماری اعصاب و روان و بهبود عملکرد هیجانی و شناختی افراد کاربرد دارد، اما امروزه با سوءاستفاده از این نوع امواج، تأثیرات مخاطره‌آمیزی برای مصرف‌کنندگان دارد و بر اثر تکرار شنیدن تغییرات هورمونی تأثیرات عصبی مانند سایر مواد مخدر (مانند متافتامین‌ها، کوکائین و نیز کریستال‌ها) در ذهن افراد ایجاد می‌کند.
 - العوضی و همکاران (۲۰۱۵) با بررسی جرم‌شناسی مخدر دیجیتال دریافت که جامعه هدف این نوع مواد قشر جوان و استفاده‌کنندگان اینترنت هستند که به‌دلیل رسوخ فضای مجازی در امکانات رفاهی و دسترسی مستمر به آن، امکان

تشدید خطرات این نوع مواد بسیار محتمل است و به همین دلیل ضرورت دارد برای کنترل و جلوگیری از گسترش این پدیده اجتماعی تدابیر اجتماعی و پلیسی صورت پذیرد.

۲. مفاهیم پژوهش

۲-۱. مفهوم مواد مخدر

مخدر از باب تخدیر به معنای چیزی است که سبب سست شدن اعضای بدن و رخوت در اعصاب می شود (عمید، ۱۳۸۸) و در توصیف مضیق؛ غالباً به هر نوع ترکیب شیمیایی اطلاق می شود که تغییر در کارکرد و ایجاد هیجان، افسردگی، رفتار ناهنجار، عصبانیت ها یا اختلال را در قضاوت باعث شود و در توصیف های موسع شامل ترکیبی است که مصرف آن مادتهاً غیرقانونی است (توکلی، ۱۴۰۰: ۸).

۲-۲. مخدرهای دیجیتالی

مخدرهای دیجیتالی فایل های صوتی و غیرملموسی هستند که از طریق قوه سمعی و با رویکرد اختلاف فرکانس شنیداری و ایجاد موج سوم تخدیری؛ قوای عصبی و هورمون های تصمیم ساز عصبی را تحریک می کنند و با تولید اصوات با فرکانس های متفاوت برای هر گوش، تأثیرهای متفاوتی بر بخش های مختلف مغز می گذارند و تجربه متفاوت محرک های عصبی و دیگر مواد تخدیری از قبیل: کوکائین، تریاک، اسید، مرفین، آدرنالین، کراک، هروئین، حشیش، ماریجوانا، ریتالین و بسیاری از مواد دیگر و حتی الکل را در مغز مستعمل شنیداری شبیه سازی می کند (مهاجرانی و ذاکری، ۱۳۹۴: ۱۳).

۲-۳. امواج مغزی

امواج مغزی به کارکرد الکتریکی نوروها و پیام رسان های شیمیایی مغز در

سلول‌های عصبی اطلاق می‌شود که از نظر فیزیولوژیکی وظیفه انتقال دستورات عصبی و مدیریت سیستم شناختی را برعهده دارند. این امواج براساس شدت فرکانس و محدوده فعالیت‌هایشان در سیستم عصبی به پنج نوع: آلفا، بتا، تتا، دلتا و گاما تقسیم می‌شوند (غفاری خلیق، ۱۳۹۶: ۷۱).

۲-۴. جرم‌انگاری

جرم‌انگاری از مباحث مطرح در حقوق جزا بوده و فرایندی است که به‌موجب آن قانونگذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می‌کند (خسروشاهی و گنجی، ۱۳۹۷: ۲۳).

۲-۵. قوانین کیفری

قوانین کیفری مجموعه قواعد حقوقی است که جرائم را تعریف کرده و مجازات مرتکبان آن را مشخص می‌کند. این قانون به‌نوبه خود شامل دو نوع قاعده دعاوی حقوقی ماهوی «تفاوت حقوق جزای عمومی و خصوصی» است: قوانین عمومی شامل قواعدی است که همه جرائم و مجازات‌ها مشمول آن هستند و مجموعه‌ای از این قوانین «قانون جزا، بخش عمومی» نامیده می‌شود. قوانین ویژه: شامل ضوابطی است که هر جرم را به‌طور جداگانه از نظر بیان ارکان، مجازات و شرایط خاص آن تعریف می‌کند و مجموعه این قوانین را «بخش ویژه قانون جزا» می‌نامند (جعفری‌بریس، ۱۳۹۶: ۱۴).

۳. تاریخچه مخدرهای دیجیتالی

تاریخچه شناخت اثر شنیدن فرکانس‌های متفاوت از هر گوش به سال ۱۸۳۹ برمی‌گردد که هاینریش ویل هلم داو^۱ این اثر را کشف کرد. پس از آن سال ۲۰۱۰ در

1. Heinrich Wilhelm Dove

دبیرستان ماستنگی آمریکا، سازمان مبارزه با مواد مخدر نسبت به پدیده مخدرهای شنیداری واکنش نشان داد. در سال ۲۰۱۲ ورود این پدیده به منطقه خاورمیانه، در کشور امارات ثبت شد و سال ۲۰۱۴ در کشور لبنان مخدر شنیداری رواج پیدا کرد. در اواخر سال ۲۰۱۴ این نوع مخدر دامن گیر عربستان شد. در همان سال کشور ما نیز نهادی تحت عنوان «خانه امید» در سایت خود به این شیوه جدید تخدیر پرداخت و استفاده از این مخدر را باعث ایجاد تغییراتی در حالات روحی و جسمی و انفصال فرد از جامعه و آن را اعتیادآور توصیف می کند که فرد برای رهایی از تأثیر این شیوه تخدیری به درمان ترک اعتیاد نیاز دارد. از اوایل قرن بیستم، پزشکان به تأثیر این فرکانس ها در مباحث درمانی و کنترل درد و خاصیت تسکینی آن دست یافتند. در کشور ما خطر حضور مواد مخدر دیجیتالی از سال ۱۳۸۸ مطرح شد، اما اطلاعات چندانی درباره آن وجود ندارد (مهاجرانی و براتی، ۱۳۹۹: ۱۶).

۴. ویژگی ها، تفاوت ها و شباهت های بالینی مخدرهای دیجیتالی با سایر مواد تخدیری

۴-۱. ویژگی ها

مخدرهای دیجیتالی از زمره پدیده های نوین و صوتی تخدیری هستند که با ایجاد اختلاف فرکانس های شنیداری و رویکردی موسوم به موج سوم تخدیری، سیستم عصبی و امواج هدایتگر آلفا، بتا، تتا، دلتا و گاما را با اختلال شناختی مواجه می کند و تجربه مواد تخدیری و دیگر محرک های تهاجمی را در سیستم عصبی شبیه سازی می کند. این مخدرها، براساس شدت تأثیرگذاری به ۱۵۵ نوع با کمینه شبیه سازی حس الکترول و بیشینه تجربه کاذب عصبی هروئین تقسیم بندی می شود که در آن مستعمل شنیداری به منظور نیل به یک هیجان ناموجه و کاذب شناختی، به مدت ۳۵ الی ۴۵ دقیقه تحت تأثیر صوت تخدیری با قابلیت ایجاد اختلاف فرکانسی بین ۵ الی ۳۰ مگاهرتز قرار می گیرد. فعالیت و تأثیرگذاری این مخدرها در غالب امواج عصبی

محتمل است؛ اما در دو باند عصبی بتا و تتا، بیشترین تأثیرگذاری تخدیری را دارد (الستی، ۱۴۰۰: ۸). از همین رو به دلیل گستردگی دامنه فعالیت این امواج در محدوده سنی جوانی و نوجوانانی و همچنین کنجکاو و ریسک‌پذیری جوانان، تأثیرگذاری و عوارض عصب‌شناختی مخدرهای شنیداری در این محدوده سنی شدیدتر و از هر فردی به فرد دیگر متفاوت‌تر است. بنابراین در غالب محیط‌های اجتماعی آلوده به استعمال این نوع پدیده نامأنوس، به کارگیری پیشگیری‌های رشدمدار به منظور ممانعت از کاهش سن رشد کیفی و نیز پیشگیری وضعی در راستای ایجاد مانع و سهولت‌زدایی در استعمال مواد تخدیری، به شدت مورد توجه و مذاقه قرار گرفته است (Rhumorbarbe, 63: 2016).

۲-۴. تفاوت‌ها

در این نوع پدیده نوظهور تخدیری، استعمال و نحوه تحریک‌پذیری از طریق استماع و قوه شنیداری و با استفاده از هدفون مقدور است. لیکن در سایر مواد شناخته شده تخدیری مصادیق مختلفی از رفتارهای مادی مورد وضع و توجه قانونگذار قرار گرفته و از این رو، غالباً طرق متعددی از قبیل تدخین، بلع، استنشاق، لمس و ... مورد تنقیح قرار گرفته است؛ این مخدرها، با استفاده از رویکرد تحرک‌مدار پاداش و اختلال در سیستم عصبی لیمبیک تأثیرگذاری تخدیری را بر فرد مستعمل اعمال و با استفاده از رویکرد فریب قوای عصبی هیجان کاذب رفتاری را ایجاد می‌کند. راهبرد و توصیف سوءمصرف در مخدرهای شناخته شده به استعمال مواد و سوءمصرف در میزان مادی و بروز وابستگی روانی و جسمی به آن مواد منوط است اما توصیف سوءمصرف و اثر تخدیری در مخدرهای دیجیتال به شنیدن موج سوم تخدیری و نیز اختلاف و شدت فرکانس‌های آنان منوط است (Kamphausen and Werse, 2019: 286).

غالباً مواد تخدیری سنتی و صنعتی به دلیل ساختار و طبع شیمیایی آنان علاوه بر قوای عصبی، بر سایر اجزای جسمی مستعمل نیز تأثیرگذاری و نمود عینی دارند و از همین رو، به منظور اثبات اثر، آزمایش‌های طبی آنان مورد توجه و تطبیق قرار

می‌گیرد؛ اما مخدرهای دیجیتالی به دلیل ماهیت غیرمادی‌شان، صرفاً از طریق نوار عصبی و تا ۷۲ ساعت پس از استعمال شنیداری قابل تشخیص و تطبیق‌گذاری است. برخلاف مخدرهای شناخته شده صنعتی و سنتی، اثر و عنوان تخریری این نوع اصوات نوظهور در لفاف و کلام تقنینی جُعل نشده است و با وجود تبیین کلام موسع و کشدار در شمول مواد نوظهور تخریری در قانون اخیرالتصویب مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به دلیل عدم شمول این ماده در معیارهای عینی و ملموس مواد تخریری، ماهیت آنان منصرف از قاعده تقنینی است (رحمدل، ۱۳۹۵: ۳۲).

استعمال مخدرهای دیجیتالی در اماکن و ممر عام اجتماعی، به دلیل عدم توجه تقنینی خالی از تنقیح کیفری است؛ اما استعمال دیگر شقوق تخریری در اماکن عمومی و محل تردد، به دلیل حرمت عینی و نیز تکلیفی مواد، نه تنها خالی از توجه تقنینی نبوده، بلکه برخورداری از شرایط و اوضاع احوال خاصی از جمله، استعمال علنی ولو از سوی اتباع خارجی، مسلمان یا کافر بودن و ... بر شدت و خفت مجازات آن تأثیرگذار است. در مخدرهای شناخته شده صنعتی و سنتی، امکان برخورد علنی ضابطان و استفاده از ابزارهای علمی و نیز تست سریع تشخیص وجود داشته، اما به دلیل ناشناخته بودن مخدر دیجیتالی امکان برخورد ضابطان عام در جرائم علنی و نیز تست سریع از مصرف‌کننده منتفی است. واکنش‌های کیفری در مخدرهای سنتی و صنعتی براساس نوع، ماهیت، میزان و تحصیلی مواد تخریری و غالباً توأم با تدابیر سخت‌گیرانه کیفری همراه است؛ اما به نظر می‌رسد با توجه به عدم جعل کیفری مخدرهای تخریری در لفاف نکوهش‌های جمعی و تقنینی؛ جنبه تمهیداتی و معاضدت کیفر و تدبیر ذهنی آن، بر مؤاخذه صرف کیفری ترجیح داشته باشد و نهایتاً در مواد مخدر سنتی و صنعتی مستعملان و افراد وابسته با مواد مخدر به دلیل بروز عوامل متعدد اجتماعی و فرهنگی و نیز وسوسه فردی، مبادرت به استعمال مواد مخدر می‌کنند لیکن به نظر می‌رسد در مخدر دیجیتالی علاوه بر ضعف کنشگران اجتماعی در شناخت و منع آن، مصادیق دیگری از قبیل کنجکاو، ناآگاهی و عدم منع قانونی به اشاعه آن دامن می‌زند (Ladegaard, 2018: 65).

۳-۴. شباهت‌ها

غالب مواد افیونی به دلیل ویژگی‌های ساختاری و شیمیایی، علاوه بر جنبه تخریری، از خاصیت درمانی نیز برخوردار است و در این باره، صرفاً سوءمصرف و تخریر بیش از حد مجاز آنان سبب تفوق جنبه تخریری بر طبیی مواد می‌شود؛ لذا با توجه به اینکه مخدرهای دیجیتالی نیز سابقاً در قالب درمان و تسکین درد به کار گرفته می‌شدند از این قاعده مستثنا نیست و همانند دیگر مصادیق تخریری، ضمن ایجاد وابستگی روانی و عصبی، بروز رفتارهای بهنجارشناختی را به تحریک و استعمال مواد تخریری منوط می‌کند. همچنین به دلیل ضرورت واکنش به پدیده‌های انسانی و رفتارهای نابهنجار اجتماعی، علاوه بر توصیف بزهکاری و ارائه راهکارهای پیشگیرانه عام و خاص؛ رفتار مستعمل شنیداری همانند دیگر مصرف‌کنندگان تخریری در قالب بیمار روانی و کژروی اجتماعی مورد کنکاش و مذاقه قرار گرفته است (حبیب، ۲۰۱۶: ۱۲).

۵. نحوه استعمال مخدرهای دیجیتالی

یکی از مسائل مهم در مورد مخدرهای دیجیتالی نحوه استعمال و هدفمند کردن تأثیرپذیری آن است. در تحقیقات پژوهشی عنوان شده؛ مستعملان شنیداری با اهداف درمان ناهنجاری‌های عصبی و نیز تنش‌های ناخودآگاه رفتاری، به مدت ۱۰ الی ۳۰ دقیقه تحت بازتاب امواج ذهنی در محدوده مجاز و معمول عصبی قرار می‌گیرند تا سیستم عصبی آنان بتواند ضمن یادگیری و بازاصلاح امواج ذهنی خود، نسبت به یادگیری صحیح ساختار پیام‌های عصبی اقدام کند و متعاقباً شیوه رفتاری مناسبی را برای مقابله با نابهنجاری‌ها فراگیرد (نیک‌پور، ۱۳۹۷: ۳۶). اما استعمال مخدر دیجیتالی با رویکرد تخریری، متفاوت‌تر از شیوه درمانی آن است؛ چراکه تسکین حالات نامتعارف، صرفاً بر کارساز بودن اصوات بستگی دارد؛ لیکن خلق رفتار نامتعارف، علاوه بر تأثیرپذیری اصوات، به سوءمصرف در آنان نیز وابسته است، از این‌رو مستعملان دیجیتالی، از طریق هدفون و در محیط آرام و کم‌نور؛ به مدت ۳۵ الی ۴۵ دقیقه ملودی تخریری را استعمال می‌کنند و در این خصوص

براساس قدرت عصبی، ساختار کنترلی ذهن مصرف کننده، میزان عمق تأثیرپذیری و شدت اختلاف فرکانس های پخش شده، هیجان کاذب و همسان سازی تخدیری را تجربه می کنند یا به منظور تحریک شناختی و تجربه حالت تخدیری شدیدتر با استفاده از خاصیت کارکردی امواج عصبی که هر کدام از آنان در موقعیت متفاوت و حالت های متعدد جسمی و روانی، بروز و نمود دارند، اختلاف فرکانس تخدیری که با شرایط کاری، مکانی و موقعیت ذهنی و روانی آنان تطبیق دارد استعمال می کنند؛ مثلاً اگر فرد مستعمل در حین رانندگی یا در شرایط هیجانی و توأم با تخلیه انرژی بالا از اختلاف فرکانس تخدیری که براساس امواج صوتی باند بتا ساخته شده اند بهره برد، به دلیل اینکه ذهن انسان در حین رانندگی و هیجان شناختی بیشترین امواج را در باند بتا ترشح می کند، اثر تحریک پذیری مخدرهای دیجیتالی دوجندان خواهد بود یا مثلاً در برخی از مطالعات به منظور شباهت سازی با شرایط طبیعی ارسال امواج ذهنی آلفا، مصرف کنندگان با حالت چشم بسته مخدر دیجیتالی استعمال کرده اند و مشخص شد، با توجه به اینکه در حین بسته بودن چشم، امواج آلفا بیشترین ترشح عصبی را تشکیل می دهد، استعمال مخدر دیجیتالی با اختلاف فرکانس در این باند شدیدترین تأثیرگذاری را بر سیستم عصبی خواهد داشت (Boehme, Hansen, Hubert Truebel, 2018:23).

۱-۵. عوامل فردی و اجتماعی مؤثر در گرایش افراد به استعمال مواد تخدیری نوین

- عوامل فردی و اجتماعی مختلفی در گرایش افراد به استعمال مخدر شنیداری تخدیری نقش دارد که مهم ترین آنها عبارتند از:
- عدم اطلاع فرد مصرف کننده نسبت به تخدیری بودن اصوات استعمالی و فقدان آگاهی نسبت به آثار شناختی مخدرهای دیجیتالی؛
 - ضعف اخلاقی، اعتماد و عزت نفس پایین افراد مصرف کننده و تفوق قوه کنجکاوی نسبت به خویشتنداری فردی؛

- ضعف تدابیر وضعی و نیز ناتوانی والدین در کنترل اجتماعی فرزندان و دسترسی آزاد به محتوای مجرمانه مواد تخریری؛
- ضعف تقنینی در پیش‌بینی پدیده‌های نامطلوب اجتماعی و عدم اصلاح قوانین اجتماعی براساس تغییر الگوی مصرف این نوع مواد مخدر؛
- تغییر سبک زندگی اجتماعی و گرایش روزافزون به فضای مجازی و تقلید از نوع و سبک زندگی جوانان غربی؛
- عدم جایگزین اجتماعی مناسب برای مقابله با مخدر دیجیتال (Shelaretal., 2016: 89).

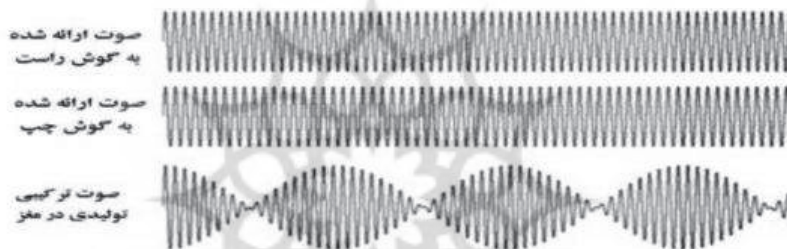
۶. نحوه تأثیرگذاری مخدرهای دیجیتال بر قوای عصبی

براساس بررسی و مصاحبه‌های صورت گرفته با متخصصان حوزه اعصاب و روان؛ غالباً مخدرهای دیجیتال با روش تحریک شبکه لمبیک و القای خود به‌عنوان امواج طبیعی مغز، اثرات تخریری و شیمیایی سایر مواد تخریری را در ذهن مستعملان شنیداری شبیه‌سازی می‌کنند؛ چراکه ماهیت و فرکانس مخدرهای دیجیتالی شبیه به امواج مغزی است و در این خصوص پس از شنیدن اصوات تخریری، سیستم عصبی، فرکانس مخدرهای شنیداری را به‌منظور تطبیق‌گذاری و حفظ تعادل‌شناختی به قوای مشبک لمبیک^۱ ارسال می‌کند که وظیفه وضوح، تمرکز و هوشیاری را برعهده دارد، لیکن قوه مذکور بدین‌علت که اصالتاً موج سوم تخریری، ناشی از ادغام اختلاف فرکانس‌های دو نوع موج متجانس است و مادّاً خود به‌عنوان موج مستقلی وجود خارجی نداشته و ازطرف‌دیگر نیز ویژگی ساختاری وی درباره میزان، شدت فعالیت آن در محدوده شناخته شده امواج عصبی نیست؛ از شناسایی موج سوم تخریری به‌عنوان امواج معمول عصبی غافل شده و به‌جای هومئوستازی^۲،

۱. سیستم مشبک قسمتی از قوای عصبی در ساقه مغز است که درباره وضوح، تمرکز و هوشیاری تصمیم می‌گیرد و چنانچه بین محرکی داخلی یا خارجی و پیام‌های عصبی تعارضی وجود نداشته باشد، مبادرت به تطبیق امواج مغز نسبت به محرک دریافتی می‌کند.

۲. هم‌ایستایی یا هومئوستازی، به‌معنای حفظ شرایط پایدار و ثابت در محیط داخلی به‌کار برده می‌شود. معمولاً سیستم‌های زنده تمایل دارند تا از طریق تنظیم محیط داخلی، پایداری و ثبات وضعیت خود را حفظ کنند.

تطبیق و هماهنگی با محرک‌های داخلی یا خارجی؛ براساس کمینه، بیشینه و شدت امواج تخطیری مبادرت به صدور دستورهای خطایی می‌کند (می‌سوم، ۲۰۱۶: ۱۷۴) و بدین سبب، براساس میزان شدت تغییرات شیمیایی، عمق اثر پذیره قوه‌شناختی و نیز سایر شرایط محیطی و فردی، اثر واکنشی خود را در قالب میزان تحریک صورت گرفته در امواج و پیام‌رسان‌های عصبی و سطح ترشح برخی هورمون‌های عصب‌شناختی مانند دوپامین^۱، اندورفین^۲ و سروتونین^۳ و ... بروز می‌دهد و این همان تشابه و تأثیرپذیری است که سایر مواد تخطیری در سیستم عصبی مصرف‌کننده ایجاد می‌کنند (Shelar et al., 2016: 5).



۷. تجربیات مستعملان و نظر کارشناسان ذی‌سمت درباره ماهیت اصوات تخطیری

نمودار ۱. تأثیر مخدر دیجیتالی در قوای عصبی افراد مستعمل

How does I- Doser work for you			
۱	It BLOWS MY MIND	۱۹۳	۱۰%
۲	I have felt the effects almost every timy	۲۴۸	۲۰%
۳	Some doses work , some dont.	۳۴۶	۲۹%
۴	Only a select few doses have worked for me	۱۲۲	۱۰%
۵	I have felt the effects with only one dose	۱۱۳	۹%
۶	It is a complete placebo – I never felt anything	۲۱۵	۱۷%
Ttal votes : ۱۲۵۶			

مأخذ: مهاجرانی و ذاکری، ۱۳۹۴.

1. Dopamine
2. Endorphins
3. Serotonin

در نظرسنجی و گفتگوی انجام گرفته فوق در تالار مستعملان مواد مخدر شنیداری مؤسسه^۱ I-doser، مشخص شد حدود ۱۷ درصد افراد شرکت کننده، اثر تخریری فایل های صوتی را باور نداشته و یک سوم نیز تأثیر دائمی یا حالت تخریر مورد انتظار را تجربه نکرده اند. اما ۱ درصد از شرکت کنندگان؛ تعداد معینی از فایل های صوتی را تخریری دانسته و حدود ۹ درصد دیگر صرفاً یک صوت را اعتیادآور دانسته و حدود یک پنجم نیز ضمن پذیرش حالت تخریری؛ بر تأثیر مستمر و دائمی اصوات اذعان داشته اند و قریب به ۱۵ درصد دیگر نیز بر تأثیر همیشگی این اصوات معتقد بوده اند. بنابراین با توجه به تجربیات مستعملان فوق، احتمالاً این اصوات کمینه از خاصیت تخریری برخوردار بوده و در این خصوص پیشینه نظرات افراد مستعمل نیز مبین تأثیرگذاری بیش از ۵۰ درصد اعم از خفیف، شدید، مستمر یا دائمی است و از طرف دیگر احتمالاً بتوان عدم تأثیرگذاری همسو و یکسان اصوات تخریری واحد بر افراد متعدد را بر ظرفیت های شناختی متفاوت افراد توجیه کرد. همچنین طی نظرسنجی پژوهشی سال ۲۰۱۷ عربستان سعودی، از بین ۲۰۰ نفر از پزشکان و متخصصان اعصاب و روان؛ بالغ بر ۶۵ درصد آنان قائل بر تأثیرگذاری تخریری این اصوات بوده اند (Fawzi and Mansouri, 2017: 46).

مؤسسه^۲ NIDA آمریکا به دلیل حساسیت موضوعی و تشابه معنادار مخدرهای دیجیتالی با دیگر اقسام تخریری، پذیرش تبعات تخریری این اصوات را به تکمیل تحقیقات تخصصی منوط کرده و پژوهش های مؤسسه بهداشتی آموزشی دانشگاه آریزونا نیز پذیرش مخدرهای شنیداری را در قالب محرک های دروازه ای معقول دانسته و بیش از رویکرد وابستگی عصبی، بر زمینه ساز بودن این اصوات جهت استعمال دیگر اقسام تخریری معتقد بوده است (مهاجرانی و براتی، ۱۳۹۹: ۱۹). در کشور ما نیز براساس مصوبه ستاد مبارزه با مواد مخدر و با حضور دبیر شورای

۱. شرکت تولیدکننده مخدرهای دیجیتالی که از سال ۲۰۱۰ به انتشار ۳۰ نوع مخدر شنیداری در موج و باندهای شنیداری از کمینه تأثیرگذاری خفیف تا بیشینه تکانش عصبی اقدام کرده است.
۲. National Institute on Drugs Abuse یا مؤسسه بین المللی سوء مصرف مواد مخدر که از سال ۱۹۹۸ به منظور تحقیق در زمینه اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر در آمریکا به وجود آمده است.

عالی و رئیس مرکز ملی فضای مجازی، جلسه‌ای در راستای پیشگیری، درمان، مقابله و مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان‌های دیجیتالی برگزار شده است و در آن جلسه تمهیدات لازم در راستای جلب مشارکت مؤثر دستگاه‌های عضو کمیته و ستاد مبارزه با مواد مخدر و تأمین، تولید و انتشار محتوا برای پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر، روان‌گردان و مخدر دیجیتالی و درمان در دستور کار کمیته قرار گرفته است (خبرگزاری/یرنا، ۱۴۰۱: ۱). همچنین برخی اصحاب ذی‌سمت درباره ماهیت اصوات دیجیتالی توضیحاتی ارائه کرده که از جمله؛ سعید صفاتیان^۱ ضمن ابراز تفاوت نشنگی و عود اعتیاد این اصوات با مخدرهای رسمی؛ این پدیده را در قالب محرک‌های عصبی توجیه می‌کند که صرفاً تحریک اعتیادی و افزایش گرایش به استعمال مواد مخدر را برای افراد پاک‌دست و بالقوه افزایش می‌دهد (روزنامه/ایران، ۱۳۹۴/۲۱/۱: ۲) و پرویز افشار^۲ ضمن اذعان به اعتیادآور بودن این اقلام نوظهور، به‌رغم احتمال ایجاد وابستگی یا بروز هیجان کاذب، به‌دلیل تبیین حدود و ثغور مصادیق مواد تخدیری در قانون و ازطرفی تفاوت وصفی این اقلام با رویکرد عینی مواد مخدر در کشور، آنان را در زمره مصادیق مواد تخدیری قلمداد نکرده است (شیعه‌نیوز، ۱۳۹۴: ۱). سیدعبدالله احمدی قلعه^۳ ضمن پذیرش ماهیت تخدیری این اصوات؛ بر تأثیرگذاری عصب‌شناختی و بروز سرخوشی، توهم، تشنج و حالات غیرطبیعی در این اصوات معتقد بوده (خبرگزاری/ایسنا، ۱۳۹۳: ۱) و حسین ذبحی^۴ مخدرهای دیجیتالی را جدیدترین رویکرد تخدیری در حوزه مواد مخدر می‌داند که روان مصرف‌کننده را دگرگون؛ و تغییراتی مشابه با سایر اقلام تخدیری از قبیل شادی و غم را برای مستعمل تداعی می‌کند (پایگاه خبری-تحلیلی/اعتدال، ۱۳۹۴: ۱) و همچنین جعفر باوی^۵، تبعات و تأثیرگذاری عصب‌شناختی این اصوات را به‌دلیل استعمال از طریق

۱. رئیس کارگروه کاهش تقاضای اعتیاد کمیته مستقل مبارزه با مواد مخدر مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۲. سخنگوی سابق ستاد مبارزه با مواد مخدر.

۳. دکتری روان‌شناسی و رئیس سازمان نظام روان‌شناسی مشاوره استان زنجان.

۴. مستشار سابق دیوان عالی کشور و مشاور فعلی رئیس قوه قضائیه.

۵. رئیس سابق اداره اجتماعی قوه قضائیه.

قوه سمعی، از دیگر اقلام تخدیری شدیدتر می‌داند (پیرکاری، ۱۴۰۰) و احمد الستی نیز در مصاحبه‌ای تخصصی با نویسندگان مقاله، ضمن اعتیادآور دانستن مخدرهای دیجیتالی، آنان را در زمره اقلام نوظهور تخدیری برشمرده که با رویکرد تأثیرگذاری بر سیستم پاداش مغز، ضمن ایجاد وابستگی ذهنی، حالات ناموجه رفتاری و نشئگی عصب‌شناختی دیگر اقلام شناخته شده تخدیری را در ذهن مستعمل شنیداری شبیه‌سازی می‌کند.

۸. مخالفت و نقد ماهیت تخدیری مخدرهای دیجیتالی

با وجود تأثیرگذاری مخدرهای دیجیتالی بر قوای شناختی، برخی محققان حوزه مواد اعتیاد و مواد مخدر بر ماهیت مادی مخدرهای دیجیتالی نقدهایی وارد کرده و معتقدند که شرح و تفصیل مواد تخدیری و درج هویت شیمیایی آنان در لفاف مواد تخدیری، به اعلام مراجع ذی‌صلاح تقنینی و انتظامی منوط است (Cornford and Lichtner, 2014: 47). لیکن درخصوص مخدرهای دیجیتالی نه‌تنها گزارش رسمی و متقنی منتشر نشده بلکه مطالعات گسترده‌ای درباره اثرات ناموجه تخدیری و اعتیاد آن نیز انجام نگرفته است و غالباً کارکردهای شناختی و رویکرد بالفعل آن، در رفع ناهنجاری‌های عصبی و کج‌رفتاری‌های شناختی بوده و خاصیت طبی و غیرتهاجمی آن مقدم بر عوارض تخدیری این اصوات است. قسم دیگری نیز ضمن محتمل دانستن اثرات تخدیری این پدیده، در کارکرد قطعی و اثرات تخدیری آن ایراد نظر کرده‌اند و بر این باورند که مادتهاً آثار ناموجه مواد مخدر علاوه بر مغز، بر همه اعضای بدن تأثیرگذار بوده، اما تبعات تخدیری اصوات دیجیتالی صرفاً عصبی بوده و به‌دلیل عدم برخورداری از تأثیرگذاری تکانشی و جسمی، نمی‌توان آن را در زمره محرک‌های اعتیادآور جای داد و ازطرفی، به‌رغم تأثیر آن بر کارکردهای شناختی و پیام‌رسان‌های نورونی، تاکنون به‌صورت قطعی و مسلم قابلیت ایجاد وابستگی روانی؛ توأم با نیاز مصرف مکرر و نیز عود روانی و نشئگی در آن به اثبات نرسیده و اصالتاً امواجی که از مغز ساطع می‌شود، معلول فعالیت‌های

شیمیایی سیستم عصبی است؛ نه مخدرهای دیجیتالی، و بازتولید امواج شبیه به امواج عصبی، فاقد تأثیرگذاری عصبی است؛ چراکه قوای شناختی، بازدارندگی عصبی دارد و در بادی امر، تحت تأثیر مخدرهای دیجیتالی قرار نمی‌گیرد و با ارسال پیام‌های دستوری جدید، ضمن ممانعت از ورود اصول تخطیری به سیستم عصبی و حفظ تعادل شناختی؛ مانع از اثرگذاری امواج تخطیری می‌شود (محمدی، ۱۳۹۶: ۳).

۹. نحوه تشخیص و اثبات استعمال مخدر دیجیتالی

شواهد متعددی وجود دارد که مواد اعتیادآور می‌تواند علاوه بر بروز اختلالات رفتاری، در رویکردهای عصب‌شناختی و امواج مغزی نیز تغییرات ایجاد کند. از این رو؛ به منظور بررسی استعمال مواد مخدر شناخته شده توسط افراد، علاوه بر آزمایش‌های طبی، بررسی‌های عصبی نیز مقدور است چراکه اختلال در قوه‌ای شیمیایی و شناختی مصرف‌کنندگان، همواره علت بروز رفتارهای نابهنجار تخطیری بوده و بر همین اساس؛ به دلیل شدت تحریک انجام گرفته؛ حافظه‌شناختی دستگاه عصبی تحت تأثیر پاداش و تحریک صورت گرفته قرار می‌گیرد و بروز وضعیت پایدار و استقرار عصبی خود را به وجود تحریک و شدت ثبت شده منوط می‌داند. بنابراین اغلب مصرف‌کنندگان برای رسیدن به سطح بهنجار رفتاری، مجدداً به استعمال مواد و بعضاً تحریک و شدت بیشتری روی می‌آورند و در اثر این تواتر تأثیر تخطیری در قوای عصبی مصرف‌کننده به عنوان محرک بیرونی ثبت و درج می‌شود. مثلاً وابستگی به آمفتامین علاوه بر کاهش سرعت عمل مغز و فعالیت‌های مرتبط با دقت و تمرکز، میزان فعالیت موج‌های دلتا و تتا را در مغز افزایش می‌دهد؛ یا مصرف کوکائین ضمن افزایش تغییر در شرایط پایدار عصبی و ساختار مغز، احتمال ریسک عود افراد را دوچندان می‌کند و از طرفی در کارکرد طبیعی امواج بتا، تتا و آلفای مغز اختلال به وجود می‌آورد. یا وابستگی به هروئین علاوه بر تأثیرگذاری در عملکردهای شناختی از قبیل تصمیم‌گیری و سرعت عمل، باعث دگرگونی در فعالیت‌های امواج بتا، دلتا و تتا می‌شود، به طوری که این افراد در مقایسه با افراد عادی عملکرد به شدت نارسا

و معیوب دارند. از این رو با توجه به اینکه مخدرهای دیجیتال اصالتاً براساس الگوی رفتاری تأثیرپذیری بر امواج ذهنی طراحی شده‌اند تشخیص آنان براساس تغییرات صورت گرفته در امواج مغزی و تا ۷۲ ساعت پس از استعمال شنیداری، قابل تطبیق و تشخیص است و اثرات تخدیری آن براساس نتایج حاصله و میزان اخلاص انجام شده در پیام رسانه‌ای عصبی و سیستم شناختی مغز براساس جدول تناوبی و آزمونی که برای تشخیص اثر و نوع خفیف یا شدید مواد مخدر طراحی شده با سایر مخدرهای شناخته قابل مقایسه و تطبیق است (میر زرگر، ۱۴۰۰: ۱۱).

۱۰. سیاست کیفری ایران در مقابل مخدرهای دیجیتال شنیداری

درخصوص پدیده مصرف و اعتیاد به مواد مخدر تلقی‌های متفاوتی وجود دارد به‌طوری‌که سیاستگذاری برای مقابله با اعتیاد، از جرم‌انگاری و سرکوب کیفری و عدم مدارا تا آزادی کامل، به‌همراه تدابیری بینابین در کشورهای مختلف آزمایش شده است (رحمدل، ۱۳۸۲: ۲۰۹). در ایران تصور غالب، با استناد به قوانین تصویب شده، لزوم برخورد قهرآمیز با معضل اعتیاد بوده که این مهم یا براساس حرمت اثری و تداوم حالات نامتعارف رفتاری، یا با تأسی از رویکردهای شرعی، بر رویکرد حرمت فعلی مواد مورد توجه قرار گرفته است. با این وجود به‌نظر می‌رسد این سیاست کیفری درباره مخدرهای دیجیتالی عقیم و نارسا است؛ چراکه ماداً این اقلام در زمره مواد رسمی و تحدیدی شناخته نشده‌اند و از طرفی، با وجود برخورداری این اصوات از تأثیرپذیری الکل، در نظرهای فقهی اخذ شده نیز عقیده واحدی درباره حرمت فعلی این اقلام وجود ندارد^۱ به‌طوری‌که برخی به‌دلیل عدم تصریح شارع مقدس به ماهیت این نوع اقلام نوظهور، منکر شناخت آنان در قالب اقلام تخدیری شده‌اند (سیستانی، ۱۳۹۸: ۱)؛ برخی براساس رویکرد تعزیری و ورود ضرر، به اثرپذیری و تنبیه کیفری

۱. سؤال استفتائی صورت گرفته: اخیراً مواد مخدری با رویکردی صوتی در فضای مجازی منتشر شده که این اصوات اثراتی همانند بعضاً بیشتر از مواد مخدر و مسکرات (الکل) دارند با این اوصاف: ۱. آیا شنیدن این اصوات حرمت شرعی دارد؟ ۲. در صورت بروز حالت نامتعارف، ناهوشیار و ناهنجار ناشی از استعمال این اصوات، آیا اجرای مجازات شرعی یا قانونی جایز است؟ ۳. ملاک اعمال مجازات شرب خمر و یا مسکر چیست؟

تعزیری معتقدند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۸: ۱) و برخی نیز حرمت تخدیر و شرعی سخت قایل شده‌اند (زنجانی، ۱۳۹۸: ۱).

بنابراین به نظر می‌رسد به دلیل ناشناخته بودن مخدرهای دیجیتالی نه تنها استعمال این شنیدنی تخدیری در قالب رفتارهای بزهکارانه قرار نگرفته، بلکه مستعمل شنیداری نیز خود را محق بر استفاده از حقوق نهی نشده اجتماعی می‌داند و همین امر باعث می‌شود، ترسیم و قراردادی یا تنقیح شرعی این کژروی، قابل توجه و مقدور نشود (العویض و همکاران، ۲۰۱۵: ۲۵). لیکن با این وجود، اخیراً در کشورهای مبتلا به، تحقیقات متفاوت و جامع‌تری نسبت به ماهیت تخدیری اصوات انجام گرفته که ضرورت مداخله هدفمند را در این رویکرد بارز کرده است؛ چراکه برخلاف سایر جرائم، حالت ناموجه اعتیادی اصوات دیجیتالی در لفاف فضای غیرمادی ارتکاب می‌یابد که قابل تشخیص و شناسایی نیست و از این رو در صورت کشف جرم، شناسایی عامل اصلی به دلیل غیرواقعی بودن صحنه ارتکاب جرم با چالش مواجه شده و آمار جنایی این رفتار نابهنجار اجتماعی با جرائم تخدیری سنتی نیز متفاوت است. همچنین، به دلیل تأثیرگذاری شدید این اصوات در باندهای آلفا و بتا که غالباً در محدوده سنی جوانان و نوجوانان بیشترین ترشح عصبی را دارد؛ عوامل تصمیم‌سازی و مؤثر در ترویج هنجار اجتماعی را بر آن داشته که در بادی امر، ضمن اتخاذ تدابیر بازدارنده وضعی و رسمی از قبیل فیلترینگ و محدودسازی دامنه و آدرس‌های الکترونیکی شرکت‌ها و سایت‌های عرضه‌کننده، تمهیدات رشدمداری به منظور ممانعت از کاهش سن رشد کیفری و تورم بزهکاری نوجوانی - جوانی؛ در دستور کار خود قرار دهند (محمد مرسی، ۲۰۱۶: ۴۸-۵۹) و به موازات آن؛ با اتخاذ تمهیدات تقنینی مطابق با این رویکرد نوین، تنقیح، ممانعت از گرایش، بازاجتماعی و اصلاح افراد وابسته را چاره‌اندیشی کنند (التجانی، ۲۰۱۷: ۲۵۱-۲۵۰).

لیکن در کشور ما این رویداد با اندکی تأخیر مورد توجه قرار گرفته و در این خصوص به کرات تدابیر پیشگیرانه وضعی و رشدمدار در قالب گفتمان‌ها؛ همایش‌های تخصصی و عرض تنویرات افراد ذی‌سمت تقریر شده است و اخیراً نیز تمهید

پیشگیری‌های وضعی بر سامانه‌های مجازی مورد توجه قرار گرفته است، اما اعمال تدابیر تقنینی براساس قوانین فعلی، به دلیل ماهیت خاص این اصوات و رویکردهای خاص مقنن درباره اقلام تخدیری ناقص و عقیم بوده که اهم دلایل آن را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد (حیدری‌نژاد، ۱۳۹۷: ۳۴).

۱۱. معیارهای جرم‌انگاری مواد تخدیری در قوانین کیفری کشور

در قوانین کیفری کشور، جرم‌انگاری مواد تخدیری بر مقوله پندارها و باورهای حاکم بر هر جامعه استوار بوده و مادّاتاً قانونگذاران لاحق، براساس معیارهای ذهنی و عقلی و همچنین تأسی از ایدئولوژی حاکم بر محیط اجتماعی خود، رویکردهای تقنینی را گزینش و براساس معیارهای مواد مخدر جرم محسوب می‌کنند که عبارتند از:

۱-۱۱. مواد مخدر و اخلاق‌گرایی

در اخلاق‌گرایی اصل بر تمکین و پذیرش قواعد رفتاری براساس منش‌های اخلاقی است و ماهیتاً رویکردهای ناموجه، صرفاً به دلیل ناپسندی اجتماعی و تعرض اخلاقی مورد تنقیح قرار می‌گیرد. از این رو در قواعد کیفری، استعمال مواد افیونی و نابهنجار از جمله مواد تخدیری، مادّاتاً تعرض به الگوهای سالم رفتاری و متعاقباً بی‌تفاوتی به هنجارهای مورد پسند جامعه قلمداد شده و مذمت رفتارهای تخدیری در لفاف صیانت از ارزش‌های اخلاقی و تمهید تأمین پاک‌دستی فردی تعبیر می‌شود. بنابراین هرچند تاکنون، شناخت متقن و جامعی نسبت به مخدرهای دیجیتالی انجام نشده است، اما به نظر می‌رسد در صورت پذیرش آن در قالب رویکرد و معنی خاص مواد تخدیری و نیز شناخت تبعات عصب‌شناختی آن، نمی‌توان اثرات و تقبیح اخلاقی آنان را نادیده گرفت (افراسیابی، خوئینی و مجتهد سلیمانی، ۱۳۹۷: ۲).

۲-۱۱. مواد مخدر و حفاظت از ایراد ضرر به دیگران

تدوین اوامر کیفری و جعل قسمی از ضوابط تنبیهی در قانون مجازات اسلامی

براساس الگوی رفتاری ایراد ضرر و خسران جمعی تدوین شده است و مادامی که کنش‌های غیرهمسو با هنجارهای اجتماعی، منشأ خسران به دیگران و جامعه نباشد، به دلیل غیرمعمول یا متفاوت بودن، قابل تاوان خواهی نیست و ماداماً اتخاذ تدابیر تقنینی، به دلیل فقدان قباحت جمعی و بی تأثیری رفتاری ارتكابی، ناموجه قلمداد می‌شود (سلطانی‌فر، شامبیاتی و آزمایش، ۱۳۹۶: ۸۴). رفتارهای نامأنوس تخدیری از زمره کنش‌هایی است که واجد خصیصه ضرررسانی است و قواعد مندرج در سیاست جنایی کشور نیز استعمال مواد مخدر را به مثابه عاملی مضر به ضرورت حیاتی فرد و متعاقباً جامعه محسوب کرده و بر این باور است، زمانی که رفتار اشخاص منتج به آسیب و ضرر به دیگران شود، افراد در قبال اعمال خود نسبت به جامعه مسئولیت دارند. از این رو، قانونگذار در ضوابط کیفری خود، موضوع اعتیاد را به عنوان آسیب اجتماعی در نظر گرفته که علاوه بر برچسب زنی اجتماعی، آن را به عنوان معضلی نامأنوس که نیروهای فعال جامعه در معرض تهدید آن قرار می‌گیرند معرفی می‌کند. لذا به نظر می‌رسد که بتوان مخدرهای دیجیتالی را واجد این خصیصه دانست چرا که علاوه بر تبعات فردی، می‌تواند واجد خسران جمعی باشد، اما به دلیل نبود اطلاعات در مورد اثرات طبی و پزشکی آن، و متعاقباً تفاوت در ماهیت ساختاری عدم توجیه جامعه نسبت به تبعات فردی و اجتماعی آن، پذیرش ضرررسانی در این مخدرها با چالش مواجه شده است.

۳-۱۱. مواد مخدر و خیرخواهی و پدرسالاری حقوقی

این رویکرد تقنینی از زمره اصیل‌ترین مبانی جرم‌نگاری در قانون مجازات اسلامی است و حاکمیت ذاتاً در قبال رفتارهای ناموجه فردی و تعرض‌های نامأنوس اجتماعی مسئول بوده و همانند عناصر متنفذ و مؤثر در تصمیم و با اقتباس از رویکردی توأم با خیرخواهی اجتماعی، به تدبیر رفتارهای نابهنجار موظف است (فلاحی، ۱۳۹۴: ۱۸۴). در این دیدگاه، غالباً نظام کیفری به بهانه حمایت مادی و معنوی توأم با مصلحت نیک‌خواهی جمعی؛ درصدد ممانعت از ورود خسران جمعی و متعاقباً فردی است و

گاهاً، تدابیری از قبیل جرم‌انگاری تولید و عرضه مواد صنعتی و سنتی، تبلیغ رسمی و آموزش استعمال آنان، ابلاغ محدودیت سنی در فروش اقلام تخریری و بینابینی و ممنوعیت استعمال در مکان‌های جمعی را وضع می‌کند. لذا، به‌نظر می‌رسد براساس این دیدگاه، بتوان مخدرهای دیجیتالی را جرم‌انگاری کرد؛ چراکه ماداً این اصوات، واجد الگوی ضرررسانی است و ازطرفی به‌دلیل نوظهور بودن، نه‌تنها استعمال آنان مورد تذکر قرار نگرفته بلکه ابراز محدودیت‌های جمعی براساس مصلحت دیدهای حاکمیتی از قبیل ممنوعیت استعمال در علم و ممر عام اجتماعی، توصیف محدودیت کیفری در استعمال و دسترسی محیطی به آنان و ... نیز تحدید نشده است.

۴-۱۱. مواد مخدر و ایجاب ضرورت در جرم‌انگاری

غالباً قسمی قابل‌توجه از ارزش‌های اجتماعی، فاقد ضمانت اجرای کیفری هستند (حبیب‌زاده، نجفی ابرند آبادی و کلانتری، ۱۳۸۰: ۵۹) و تا زمانی که ابزارهای غیرکیفری مانع از ولوج کژروی و بزهکاری شود، ضرورتی برای استفاده از واکنش‌های اجتناب‌ناپذیر کیفری وجود ندارد (طغرانگار، ۱۳۹۹: ۲۹۴) زیرا؛ اصل بر مباح بودن رفتارها و حفظ ارزش‌ها، توأم با هم‌زیستی مدنی است و توسل به ابزارهای کیفری منوط به ناموزون و بلاوجه بودن اقدام‌های اجتماعی است (پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۳۰). با این وجود، به‌کارگیری و انعقاد قوانین کیفری؛ به‌دلیل ماهیت جابه‌جایی بزهکاری در مواد مخدر، تغییر سبک زندگی اجتماعی و ولوج شرایط اجتماعی نوین (مقدس قهفرخی، حقیقتیان و هاشمیان‌فر، ۱۳۹۸: ۲۲) میل و رغبت به بیش‌مصرفی مواد تخریری از سنتی به نوین دیجیتالی تغییر یافته است (می‌سوم، ۲۰۱۶: ۱۷۳). بنابراین به‌نظر می‌رسد معیارهای غیرکیفری، دلیل قانع‌کننده‌ای برای کژروی‌های دیجیتالی نداشته (فلاحی، ۱۳۹۴: ۲۲۱) و به‌منظور حفظ شرایط مستقر و هم‌زیستی اجتماعی، برآوردی جز ابزار کیفری، نمی‌تواند پاسخی منطقی و مانعی مفید برای رفتارهای نابهنجار آنان باشد (جبیری، ۲۰۱۸: ۶۰۰).

۱۲. دلایل عدم شمول و ثبوت مخدرهای دیجیتالی در قوانین کیفری کشور

۱۲-۱. عدم جرم‌انگاری و تنقیح مادی در قوانین کیفری

مخدرهای دیجیتالی، مصادیق عینی و تصریحی در قوانین کیفری ندارد و به نظر می‌رسد براساس مبانی ذیل، اصالتاً توصیف کیفری مواد مخدر دیجیتالی به دلیل خروج موضوعی از مصادیق عینی قوانین کیفری در قالب رکن قانونی و تبیین رفتار مادی گنجانده نشده و استعمال و گرایش به آن فارغ از هرگونه تنبیه کیفری است. **اولاً:** حدود و ثغور و توصیف مصادیق ممنوعه مواد تخدیری در لفاف قانون سابق منع کشت خشخاش و استعمال تریاک و تصویب‌نامه راجع به فهرست مواد مخدر ۱۳۳۸ تدوین شده است^۱ که در آن قانون مقنن لاحق؛ با احراز مصادیق خاصه‌ای از مواد تخدیری، مصلحت بر درج ارقام عینی و نیز مصطلح وقت از قبیل مواد افیونی، حشیش و مشابیهان آن و نیز سایر ادویه مخدرها داشته است و متعاقباً، دیگر تحولات تقنینی مواد مخدر نیز شمول مصادیق نوظهور تخدیری اعم از صنعتی و سنتی را تحت تأسی همین دیدگاه مادی و عینی توصیف کرده‌اند.

ثانیاً: بعضی نظرهای کیفری عنوان داشته که مادتهاً براساس الفاظ موسع و کشدار مقنن در ماده (۱۵۴) قانون مجازات اسلامی اخیرالتصویب ۱۳۹۲ و اشاعه سایر مصادیق تخدیری در نص و عبارت «مواد مخدر و روان‌گردان و نظایر آنها»^۲ به هر نحوی از انحاء سایر مصادیق نوظهور تخدیری در این ماده گنجانده می‌شود. اما با رجوع به مبنای تعیین مصادیق مواد مخدر در پنج دوره تقنینی و ازطرفی تبصره «۱» ماده (۱) و (۳۴) قانون مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶ مبنی بر ضرورت تصویب‌نامه

۱. ماده ۱- از نظر قانون اصلاح منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب ۳۱ خرداد ۱۳۳۸ و با توجه به ماده (۱) قانون مزبور و تبصره «۱» ذیل آن مواد مخدره به دو دسته تقسیم و تفکیک می‌شود:

دسته اول - مواد افیونی و حشیش و مشابیهین آن،

دسته دوم - سایر ادویه مخدره.

۲. ماده ۱۵۴ - مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روان‌گردان و نظایر آنها، مانع مجازات نیست.

و ابلاغ آیین‌نامه راجع به شناسایی فهرست جدید مواد مخدر،^۱ نه تنها اقلام نوظهور تخدیری غیرعینی و لمسی مورد توجه قرار نگرفته، بلکه شیوه‌نامه جدیدی نیز به منظور تصویب مصادیق نوظهور تخدیری ابلاغ نشده است تا در صورت بروز شبهه یا ولوج پدیده نوظهور انسانی - اجتماعی، نسبت به وضع تقنینی و شمول کیفری آن اقدام شود. از این رو به نظر می‌رسد؛ مفاد ماده (۱۵۴) قانون مجازات اسلامی صرفاً بر ساختار مادی و عینی مواد نوظهور دلالت داشته و مخدرهای دیجیتالی به دلیل ماهیت غیرمادی؛ منصرف از اراده تقنینی در ماده مذکور هستند.

ثالثاً: اعمال و تطبیق مجازات در قوانین کیفری مواد تخدیری، علاوه با نگرش تنبیه و بازاجتماعی انسانی، براساس مادیت و کارکرد مواد استعمال است^۲ و در این خصوص، تصریح میزان و تطبیق مجازات^۳ و یا اعمال نهاد شبه مخففه براساس معیارهای مادی از قبیل میزان، مقدار و تعدد و تکرار رفتار تخدیری تدبیر شده است. لذا با توجه به اینکه، مخدرهای دیجیتال غیرمادی بوده و ویژگی‌های ماهیتی و ساختاری آنان منصرف از شرایط شکلی و ماهوی مواد تخدیری است و در ترازوی تطبیق مجازات‌های کیفری با سایر مواد تخدیری قابل قیاس و تنقیح نیست، نمی‌تواند از مجازات‌های سایر مواد تخدیری برخوردار باشد.

رابعاً: قانونگذار کیفری با تأسی از مبانی فقهی از جمله ماده (۲۶۴) قانون مجازات

۱. تبصره ۱- منظور از مواد مخدر در این قانون، کلیه موادی است که در تصویب‌نامه راجع به فهرست مواد مخدر مصوب ۱۳۳۸ و اصلاحات بعدی آن احصا یا توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به‌عنوان مخدر شناخته و اعلام می‌گردد. براساس ماده (۳۴) آیین‌نامه اجرای اعلان مصادیق تخدیری صرفاً ۲۲ نوع ماده اعم از تخدیری و طبی به‌عنوان مواد ممنوعه درج و تصریح گردیده‌اند.

۲. ماده (۴) قانون مبارزه با مواد مخدر: هرکس بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیر، سوخته، تفاله تریاک و یا دیگر مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی که فهرست آنها به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد را ... با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد مذکور به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود ...

۳. براساس تبصره «۱» ماده (۷۰۳) قانون مجازات اسلامی: درخصوص مواد (۷۰۲) و (۷۰۳)، هرگاه مشروبات الکلی مکشوفه به میزان بیش از بیست لیتر باشد، وسایلی که برای حمل آن مورد استفاده قرار می‌گیرد چنانچه با اطلاع مالک باشد به نفع دولت ضبط خواهد شد در غیر این صورت مرتکب به پرداخت معادل قیمت وسیله نقلیه نیز محکوم خواهد شد. بنابراین مجازات حمل و نگهداری‌کننده مشروبات الکلی در ماشین علاوه بر مجازات مقرر در ماده (۷۰۲)، ضبط خودرو نیز خواهد بود.

اسلامی مصوب ۱۳۹۲ کیفری،^۱ تنقیح فقهی و استعمال مسکرات در شیوه خاصی از رفتار مادی از قبیل خوردن، تزریق و تدخین مورد توجه و مذاقه قرار داده است که مادتهاً و نوعاً مصادیقی از استعمال و شیوه مصرف مواد عینی تلقی می‌شوند. بنابراین با توجه به اینکه مخدرهای دیجیتالی صرفاً از طریق قوه سمعی قابل استعمال است و از طرفی اصوات تأثیرگذاری اسکار دارد، نمی‌تواند در لفاف شیوه و شگردها وقع جرم و نیز رفتار مادی مقنن فقهی چاره‌سازی شود (نادری، ۱۳۹۸: ۹-۱۴).

۲-۱۲. معرفی نشدن مخدرهای شنیداری به عنوان ماده جدید تخدیری

براساس معیارهای اخلاقی، تصویب مقررات کیفری، به وجوب حفظ سلامت و حرمت اخلاق فردی - اجتماعی منوط است. اما بهرغم استعمال شنیداری این پدیده نامأنوس، تاکنون در جوامع اجتماعی، این پدیده نوظهور در قالب ماده جدید تخدیری معرفی نشده است. لذا تنقیح آن با سایر اصحاب جامعه، به خصوص بنیان‌های اصیل اخلاقی مانند خانواده‌ها و نهادهای پرورشی، آموزشی و دینی، بلاوجه بوده و متعاقباً استعمال آن برای مکلفان اجتماعی و نیز اشخاص تأثیرپذیر همانند جوانان، مورد جرح و تنقیح جامعه قرار نگرفته است. بنابراین به نظر می‌رسد به دلیل عدم وجوب مقدمه برای اعمال قوانین اخلاقی - کیفری، تعرض به منع استعمال آن، به نحوی مداخله در حقوق فردی و شهروندی فرد محسوب می‌شود.

۳-۱۲. نامشخص بودن طبعات جسمی و زیستی مخدرهای دیجیتالی

مخدرهای دیجیتالی از زمره جدیدترین رویکردهای تخدیری است که استعمال آنان از طریق قوه سمعی بوده و برخلاف دیگر اقلام تخدیری، بیش از اثر جسمی، غالباً قوای عصب‌شناختی مستعمل در گیر حالات ناموجه و تحریک عصبی قرار می‌گیرد بر همین اساس، اثبات آن با شیوه‌های مرسوم و آزمایش‌های طبی مواد تخدیری مقدور نبوده و صرفاً با انجام آزمایش‌های عصب‌شناختی و اخذ نوار مغز، استعمال آن رؤیت و

۱. ماده ۲۶۴- مصرف مسکر از قبیل خوردن، تزریق و تدخین آن کم باشد یا زیاد، جامد باشد یا مایع، مست کند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط به گونه‌ای که آن را از مسکر بودن خارج نکند، موجب حد است.

اثبات می‌شود. از این رو به دلیل تفاوت و ماهیت ساختاری و از طرفی نحوه رسوخ تبعات عصب‌شناختی آن با معیارهای مورد نظر مقنن، ترسیم آنان در قالب مواد تخریری کیفری شناخته شده رسمی با چالش مواجه شده است (مقدس قهفرخی، حقیقتیان و هاشمیان‌فر، ۱۳۹۸: ۳۷).

۴-۱۲. تغییر سبک زندگی اجتماعی و مداخله عرصه‌های ناشناخته از قبیل ارتباطات و فضای مجازی

سبک زندگی اجتماعی از زمره رویکردهای تغییر هویت اجتماعی و گرایش به پدیده‌های نوین اجتماعی است (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۶) که در آن افراد با اقتباس از الگوهای ترجیح‌بخشی، تمایز، رقابت و نیز سلیقه در صدد تفوق و برتری قابل توجه و شخصیتی هستند (نیازی، افرا و سخابی، ۱۳۹۷: ۵). این خصیصه رفتاری با اقتباس از تفاوت‌جویی و تغییر شیوه مصرف براساس نوع و سبک زندگی نیز در مواد افیونی تخریری نمود داشته است (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۸۴: ۵۹)؛ چراکه در بیشتر تحقیقات عنوان شده؛ تغییر سبک زندگی از جامعه سنتی به مدرنیته مجازی باعث ترغیب افراد به استعمال شنیداری مخدرهای دیجیتال شده است (محمد مرسی، ۲۰۱۶: ۵۹-۴۸) و در آن افراد مصرف‌کننده به جای پایبندی به ارزش‌های اصیل اجتماعی خود، هویت شخصیتی خود را در قبال فرهنگ‌های جدید مجازی پیوند می‌دهند و گرایش‌های فردی خود را در تقابل با منافع اجتماعی سنتی می‌دانند و مصرف این کشیدنی‌های شنیدنی را بر سایر ارزش‌های مادی و اجتماعی ترجیح می‌دهند (التجانی، ۲۰۱۸: ۲۵۱-۲۵۲). این سبک زندگی (مدرنیته مجازی) در اثر انتشار تجربیات خوشایند افراد مصرف‌کننده مخدر دیجیتال در فضای مجازی باعث گرایش روزافزون افراد به خصوص افراد دارای گرایش‌های هیجانی شده است (محمد مرسی، ۲۰۱۶: ۵۹-۴۸). لذا با توجه به تبدیل الگوی مصرف بزهکاران تخریری نوین از سنتی به نوین، به نظر می‌رسد رویکردهای تخریری فعلی، پاسخگوی رفتارهای نابهنجار متأسی از الگوهای مصرفی نوظهور نباشد (ذبحی، ۱۳۹۸: ۴۱).

۱۳. جمع بندی و نتیجه گیری

براساس مطالب بیان شده، می توان نتیجه گرفت مخدرهای دیجیتالی، فایل های صوتی خاصی است که ادعا شده با استفاده از اختلاف فرکانس شنیداری و رویکردی موسوم به مشروط سازی سیستم شناختی؛ قوای ذهنی مستعمل شنیداری را دچار سرخوشی کاذب می کند و با ایجاد وابستگی و اعتیاد روانی، تأثیرات نابهنجار و شناختی مواد اعتیادآور از قبیل: بی توجهی، توهم، اخلال در ادراک، عصبانیت، افسردگی و نیز حالات ناموجه رفتاری دیگر مواد تخریری اعم از سنتی و صنعتی را در ذهن مستعمل شنیداری شبیه سازی می کند. لیکن، به دلیل فقدان ابزارهای غیرکیفری و اجتماعی در تشریح اثرات نامأنوس رفتاری و زیان های زیست شناختی آن و نیز عدم برخورداری از خصیصه تکانش جسمی و ریزش بدنی، تاکنون این نوع پدیده در زمره مصادیق رسمی مواد مخدر گنجانده نشده است و براساس قوانین فعلی کشور، نه تنها ماهیت غیرمادی مخدرهای دیجیتالی، منصرف از معیارهای عینی مقنن است؛ بلکه استعمال شنیداری و شیوه و شگرد استعمال مادی آن نیز در قالب شگردهای استعمالی مقنن تعبیر نمی شود و گرایش به آن فاقد رویکرد کیفری است. با این وجود، به دلیل انفعال قوانین وضعی و ماهیت جابه جایی بزهکاری، تغییر سبک زندگی اجتماعی و مداخله عرصه های ناشناخته جدید ارتباطی؛ گرایش به بیش مصرفی مخدرهای دیجیتالی در بین کاربران فضای مجازی، به خصوص جوانان و نوجوانان که از ریسک پذیری بالایی برخوردار بوده در حال افزایش است. بدین سبب در غالب کشورهای مبتلابه، به منظور کنترل تبعات ناموجه انسانی - اجتماعی و ممانعت از کاهش سن رشد کیفری بزهکاری، ضمن تبیین محدودیت های وضعی و توجیهی اجتماعی، دسترسی و فرصت ارتکاب جرم و استعمال این نوع مواد نوظهور از بزهکاران بالقوه و بالفعل سلب شود و متعاقباً با رویکردی آینده نگر؛ بسط قوانین تخریری و نکوهش رفتارهای نابهنجار اعتیاد را صرفاً در قالب ماهیت و نوع مواد استعمالی شناخته شده تعبیر نکرده و مصادیق نوظهور دیگری که به هر نحوی از انحاء بر اراده خودآگاه مستعملان تأثیرگذاری تخریری دارد را مشمول تنبیهات کیفری قرار دهند.

منابع و مأخذ

۱. افراسیابی، صابر، غفور خونی و ابوالحسن مجتهد سلیمانی (۱۳۹۷). «مبانی قانونی و اخلاقی جرم‌انگاری در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری ۱۴(۱۴).
۲. التجانی، وجدان الصدیق عباس (۲۰۱۷). *التحديات التي تواجه الأسرة في الوقاية من المخدرات الرقمية وتأثيرها على الشباب العربي*، جامعه نايف العربيه للعلوم الأمنية.
۳. الزیود، محمد صایل و طارق عود (۲۰۱۹). «مستوى وعى طلبة الجامعة الأردنية بظاهرة المخدرات الرقمية، دراسات»، *العلوم الإنسانية والاجتماعية*، المجلد ۴۶، العدد ۱.
۴. العوضی، خبیر أنور محمد، حمد جمی خمیس، ابراهیم معتمد و صالح المری (۲۰۱۵). «مخدرات الرقمية»، *مجلة شيء العين، قيادة العام الشرطه رأس الخيمة*، العدد ۱۰.
۵. پایگاه خبری-تحلیلی اعتدال (۱۳۹۴). «سخنرانی حسین ذبحی در رابطه با مخدرهای نوظهور»، همایش ملی طب و قضا.
۶. باقر صیقلانی، مریم، بهروز بیرشک و علی زاده محمدی (۱۳۹۴). «اثر بخشی موسیقی درمانی بر اضطراب و افسردگی بیماران مولتیپل اسکلروزیس MS»، *فصلنامه پژوهشی مطالعات روان شناختی*، ۴ (۱۱).
۷. پوربافرانی، حسن (۱۳۹۲). «باید و نبایدهای جرم‌انگاری در حقوق کیفری ایران»، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، سال بیستم، ش ۷۵.
۸. پیرکاری، نازنین (۱۴۰۰). «مصاحبه تخصصی با جعفر باوی و علیرضا شیرازی در موضوع «مخدرهای دیجیتال»»، *مستند تلویزیونی سیمای جمهوری اسلامی ایران*.
۹. توکلی، سعید (۱۴۰۰). «تفاوت بین مواد مخدر سخت و آرام چیست؟»، *مؤسسه پژوهشی کادراس*.
۱۰. جیری، یاسین (۲۰۱۸). *المخدرات الرقمية*، جامعه امیر عبدالقادر العلوم السلامیه - قسطنطنیه.
۱۱. جعفری‌بریس، پرویز (۱۳۹۶). *آیین دادرسی کیفری افتراقی جرائم مواد مخدر*، تهران، نشر اردبیلی.
۱۲. جمشیدزاد، مریم، مریم مقصودی‌پور، سیدابوالفضل ذاکریان و عنایت‌اله بخشی (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر سه نوع موسیقی بر عملکرد عینی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران و علوم بهزیستی و توانبخشی»، *سومین همایش دوسالانه ارگونومی ایران*.
۱۳. جهانبخش، زهرا (۱۴۰۰). *مواد مخدر و مجموعه قوانین مرتبط با آن*، چاپ اول، تهران، نشر مانیان.
۱۴. جهانی، سارا، سعید بختیارپور، بهنام مکنونی، علیرضا حیدری، پروین احتشام‌زاده (۱۳۹۷). «مقایسه اثربخشی گشتالت درمانی و موسیقی درمانی بر اضطراب امتحان و بهزیستی تحصیلی دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم»، *فصلنامه روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، دوره ۹، ش ۳۳.
۱۵. حبیب، محمدحسین (۲۰۱۶). «المخدرات الرقمية بين الحقوق الشخصية و الجريمة السيبرانية المؤتمر السنوي الرابع للأمن»، *التحليل الجنائي للواقع*، العدد ۱۶.

۱۶. حبیب‌زاده، محمدجعفر، علی‌حسین نجفی ابرندآبادی و کیومرث کلانتری (۱۳۸۰). «تورم کیفری؛ عوامل و پیامدها»، مجله مدرس، ش ۲۱.
۱۷. حسینی، سیدحسن (۱۳۸۴). «تحلیل جامعه‌شناختی رابطه اینترنت و اعتیاد به مواد مخدر»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۲ و ۳.
۱۸. حیدری‌نژاد، نصراله (۱۳۹۷). «پیشگیری وضعی در جرائم سایبری از منظر حقوق کیفری ایران و جهان»، نشریه قانون یار، ۲ (۶).
۱۹. خبرگزاری ایرنا (۱۴۰۱). «تشکیل کمیته مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان‌ها و مواد مخدر دیجیتالی در فضای مجازی».
۲۰. خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۳). «مصاحبه تخصصی با دکتر سیدعبدالله احمدی‌قلعه در موضوع مخدرهای شنیداری و چپستی آن».
۲۱. خسروشاهی، فرزانه و علی گنجی (۱۳۹۷). «بررسی جرم‌انگاری مصلحت‌گرایانه در نظام جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهشی حقوق کیفری، ۸ (۲۸).
۲۲. داداشی، سیامک، عزت‌اله احمدی، حسن بافنده قراملکی و حبیب‌رسولی (۱۳۹۷). «تأثیر همگام‌سازی امواج مغزی در باند بتا با استفاده از ضربان‌های دوگوشی بر بهبود حافظه‌کاری دیداری فضایی در افراد با رگه‌های اختلال شخصیت مرزی»، مجله پزشکی ارومیه، دور ۲۹، ش ۲.
۲۳. ذبحی، حسین (۱۳۹۸). شرح جامع قانون مبارزه با مواد مخدر در نظم حقوقی جدید، تهران، انتشارات قوه قضائیه.
۲۴. رجبی، ابوالقاسم (۱۳۹۴). «مخدرهای دیجیتال از ادعا تا واقعیت»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۴۴۸۵.
۲۵. رحمدل، منصور (۱۳۸۲). «اعتیاد و سوء‌مصرف مواد مخدر در ایران: جرم‌زدایی و جرم‌انگاری»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، ش ۹.
۲۶. _____ (۱۳۹۵). حقوق کیفری مواد مخدر، تهران، انتشارات دادگستر.
۲۷. روزنامه ایران (۱۳۹۴/۱۲/۱). «مخدرهای صوتی، از شایعه تا واقعیت (مصاحبه با سعید صفاتیان)»، پورتال جامع ستاد مبارزه با مواد مخدر، شماره خبر ۲۵۵۰۰.
۲۸. زنجانی، آیت‌اله بیات (۱۳۹۸). پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مرجع، شماره استفتاء ۲۰۶۸۷۶.
۲۹. سلطانی‌فر، غلامرضا، هوشنگ شام بیاتی و علی آزمایش (۱۳۹۶). «تأثیر ایدئولوژی‌ها بر قبض و بسط قلمرو حقوق کیفری»، تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، ۱۰ (۳۷).
۳۰. سیستانی، سیدعلی (۱۳۹۸). پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مرجع، شماره استفتاء ۸۸۰۳۱۳.
۳۱. شحاته، محمد (۲۰۱۸). «المخدرات الرقمية بین اهاالة العالمیه الشریعه الاسلامیه»، مجله الحدیث و

۳۲. علومه /المشارك، جامعه الازهر كليه اصول الدين، اعداد ۴.
۳۳. شيعه‌نيز (۱۳۹۴). «گفتگوی تخصصی درباره «مواد مخدر دیجیتال و نحوه عملکرد آن»»، پرويز افشار و سعيد منتظرالمهدی.
۳۴. طغرانگار، حسن (۱۳۹۹). «سنجش اعتبار جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر براساس مؤلفه‌های قانونیت، مشروعیت و کارآمدی»، آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۶ (۱۸).
۳۵. عبدالرؤف، أحمد بنی عیسی (۲۰۱۵). «الخطط المقترحة للوقایة من المخدرات الرقمية فی المجال التربوی»، جامعه العلوم اسلامیة العالمیة، کلية العلوم التربویة.
۳۶. علیوردی نیا، اکبر (۱۳۸۴). «اینترنت و سوء مصرف مواد (مخدر)»، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره ۱، ش ۲ و ۳.
۳۷. عمید، حسن (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۳۸. غفاری خلیق، حدیث (۱۳۹۶). «بررسی اثر موسیقی بر امواج مغزی: مطالعه الکترو انسفالوگرافی کمی»، ماهنامه پژوهش در هنر و علوم انسانی، ۳ (۲).
۳۹. فلاحی، احمد (۱۳۹۴). «اصل ضرور در جرم‌انگاری و محدودیت‌های وارد بر دخالت کیفری در مصرف مواد مخدر»، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۶ (۱).
۴۰. محمد مرسی، حمد مرسی (۲۰۱۶). ادمان المخدرات الرقمية عبر الانترنت، و تأثیرها علی الشباب /العربی، دراسة میدانیة مطبقة علی الشباب العربی بجامعة الأزهر بالقاهرة، لندوة العلمیة المخدرات الرقمية جامعه نايف العربیة للعلوم الأمنیة، الریاض، المملكة العربیة السعودیة.
۴۱. محمدی، علی (۱۳۹۶). «مطالعه مروری مخدرهای دیجیتال»، مجله اعتیاد- پژوهش‌های جاری در علوم پزشکی، ۳ (۱۱).
۴۲. مقدس قهفرخی، شهرام، منصور حقیقتیان و سیدعلی هاشمیان فر (۱۳۹۸). «پویایی‌شناسی اعتیاد کارکردهای مبتنی بر پویایی سیستمی اعتیاد»، فصلنامه اعتیادپژوهی سوءمصرف مواد مخدر، ۱۳ (۵۴).
۴۳. مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۹۸). پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مرجع، شماره استفتاء ۱۶۵۹۹۹.
۴۴. ملک‌زاده، دانیال، سعید راحتی قوچانی، حمیدرضا کبروی و محیا دادگر آزاد (۱۳۹۵). «بررسی اثر ضربان‌های دوگوشی بر افراد معتاد با استفاده از سیگنال مغزی، EEG»، فصلنامه پژوهشی سوءمصرف مواد، ۶۰ (۱۰).
۴۵. مهاجرانی، سیدمجید و منصور براتی (۱۳۹۹). «مخدر شنیداری»، مجموعه مقالات مؤسسه کاردراس.
۴۶. مهاجرانی، سیدمجید و مهدخت ذاکری (۱۳۹۴). مخدرهای پنهان دیجیتالی، کتامین، تهران، انتشارات سفیر اردهال.
۴۷. میر زرگر، سیده‌آسیم (۱۴۰۰). مغز و اعتیاد، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۴۷. می‌سوم، لیلی (۲۰۱۶). *المخدرات الرقمية - ظهور ادمان جدید عبر شبکه الانترنت*، جامعه تلسمان، الجزایر، مرکز جیل البحث العلمي، اعداد ۲۱.
۴۸. نادری، زانیار (۱۳۹۸). «مخدرهای دیجیتال و سیاست کیفری ایران در مقابل آن»، دومین کنفرانس ملی پدافند سایبری، دانشگاه آزاد اسلامی.
۴۹. نیازی، محسن، هادی افرا و ایوب سخابی (۱۳۹۷). «فرا تحلیل رابطه فرهنگی و سبک زندگی»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم و نهم، شماره پیاپی ۷۲، ش ۴.
۵۰. نیک‌پور، صادق (۱۳۹۷). *الکترو مغناطیسم مغز*، تهران، انتشارات گیسوم.

51. Boehme, Philip, Arne Hansen and Hubert Truebel (2018). "How Soon Will Digital Endpoints Become a Cornerstone for Future Drug Development?", *Drug Discovery Today*, 24 (1).
52. Chaieb, Wilpert and Reber Fell (2015). "Auditory Beat Stimulation and its Effects on Cognition and Mood States", *Front Psychiatry*, PMID: 26029120 PMCID: PMC4428073.
53. Cornford, Tony and Valentina Lichtner (2014). "Digital Medicines: Anatomy of New Medicines", In: Devlin, Bill, Lampreau, Eleni, Miteff, Natalie N. and McLeod, Laurie, (eds.) *Information Systems and Global Collections: Reconfiguring Actors, Artifacts*.
54. Fawzi, Marwa M. and Farah A. Mansouri (2017). "Awareness on Digital Drugs Abuse and its Applied Prevention, Among Healthcare Practitioners in KSA", *Arab Journal of Forensic Sciences and Forensic Medicine*, Vol. 1, Issue 6.
55. Kamphausen, Gerrit and Ernd Wersé (2019). "Digital Figurations in the Online Trade of Illicit Drugs: A Qualitative Content Analysis of Darknet Forums", *International Journal of Drug Policy*, Vol. 73.
56. Ladegaard, Isak (2018). "Crime Displacement in Digital Drug Markets", *International Journal of Drug Policy*, Vol. 63.
57. Mihai, Aniței and Mihaela Chraif (2020). "The Influence of Digital Drugs on Young Perception", *International Conference the Future of Education*, University of Bucharest (Romania).
58. Rhumorbarbe, Damien (2016). "Buying Drugs on a Darknet Market: A Better Deal? Studying the Online Illicit Drug Market Through the Analysis of Digital, Physical and Chemical Data", *Forensic Science International*, Vol. 267.
59. Shelar, Shraddha, Varsha Thanaji Mulik, Pranav Bhatia and Suraj U. Rasal (2016). "Binaural Beats, Amenable or not", *International Journal of Current Research*, 8 (78).